

متن پرسش

سلام استاد: خسته نباشید. می خواستم بگم اون قضیه شیخ رجبعلی و سید علی قاضی که در کتاب واسطه فیض در پاورقی نوشتید اشتباه است و ظاهرا نویسنده دو مبحث را با هم خلط کرده است. لطفا به سایت آوینی مصاحبه با آقای سید محمد حسن قاضی مراجعه کنید بنده لنک را قرار میدم در سوال ۱۰۹ این سوال را پرسیده اند.

<http://www.aviny.com/bozorgan/ghazi/Mosahebe/۰۱.aspx> ضمنا قضاوتی که در پاورقی کرده اند نیز اشتباه است. حتما کتاب کیمیای محبت را بخوانید و همینطور نظر شما را جلب می کنم به سخنان آیت الله فاطمی نیا راجع به شیخ جعفر مجتهدی خواهش می کنم مطالعه کنید.

<http://www.rahro۱۴.ir/%D۸%A۸%D۸%B۲%D۸%B۱%DA%AF%D۸%AF%D۸%AY%D۸%B۴%D۸%AA-%D۸%B۴%D۹%۸A%D۸%AE-%D۸%AC%D۸%B۹%D۹%۸۱%D۸%B۱-D۹%۸۵%D۸%AC%D۸%AA%D۹%۸۷%D۸%AF%D۹%۸A.html> اگر واقعا شما راه رفته باشید بایستی راجع به اینها درست فکر کنید. اگر باز مشکلی باشد بنده نامه توحیدی جناب شیخ عبدالکریم حامد که شاگرد شیخ رجبعلی بودند و همینطور استاد آیت الله شیخ عبدالقائم شوشتری بودن که این نامه رو به آقای شوشتری نوشتند رو هم قرار میدم تا ببینید که اینها به توحید رسیدند یا نه! ۲- بنده الان دارم شرح حدیث عنوان بصری شما رو گوش می کنم خودتون گفتید که امام صادق علیه السلام فرمودند علم نور است و راهش هم بندگی است خب این افراد هم مصداق همین هستند. حالا چون شیخ گفته مولوی در برزخ گرفتار است باید طرد شود؟ چطور دیوان حافظ را می فهمیدند. خواهش می کنم یک جوابی بدهید سانسور هم نکنید. یا مهدی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نباید خیلی روی مصداقها بمانیم. ما یک قاعده داریم که بعضی ریاضت می کشند برای آزادکردن قوای نفس ناطقه که اینها اگر در ذیل شریعت الهی عمل کنند اهل کرامت می شوند. و بعضی ریاضت می کشند برای نفی هرگونه قوایی که منشاء آن خودشان باشند و سعی می کنند فانی از خود و باقی به حق شوند که اینها اهل توحیدند. حالا چه کسی مصداق اهل کرامت است و چه کسی مصداق توحید، این را باید خودتان تشخیص دهید. هرچه هست «مراء» در این موارد و در همه ی موارد روح انسان را کدر می کند. به نظر می آید آنچه در کتاب آیت حق در مورد جناب آقای رجبعلی خیاط آمده که با دقت دکتر حسین غفاری به نگارش در آمده نسبت به آن

مصاحبه دقیق تر باشد. موفق باشید